

مقدمه

در درس مبانی هنرهای تجسمی، با چگونگی به کارگیری عناصر بصری (مثل نقطه، خط، سطح، حجم رنگ و ...) در کار آشنا شده‌اید و در کتاب مبانی رنگ با مسایل نظری ترکیب مواد رنگی تا حدودی مطالبی را آموخته‌اید. اینک ضروری به نظر می‌رسد که با تکیه بر آموخته‌هایتان در کارگاه رنگ در نقاشی تجربیاتی تازه در خصوص چگونگی به کارگیری عملی آنها در یک اثر به دست آورید.

این کتاب شامل سه فصل اصلی است.

– نقاشی از طبیعت بیجان

– نقاشی از منظره

– نقاشی از پیکر انسان

در فصل اول، به چند علت، طبیعت بی جان به عنوان موضوع انتخاب شده است. این که طبیعت بی جان را می‌توان براساس علاقه و سلیقه‌ی شخصی در فضایی مشخص فراهم آورد؛ در ترکیب بندی عناصر آن می‌توان دخالت داشت؛ به شیوه دلخواه می‌توان نورپردازی بر آن اعمال نمود و عناصر آن را به دلخواه اضافه و کم کرد. بدین ترتیب زمان، مکان و موضوع نورپردازی، تمامی در اختیار شماست. از طرف دیگر، طراحی از اشیای بی جان به علت ساکن و بی حرکت بودن، ساده تر از موضوعات جاندار به نظر می‌رسد. بنابراین، در مرحله نخست با انتخاب این موضوع و مبانی نظری رنگ، قدم به قدم مراحل آموزش را به صورت عملی پیش خواهیم برد. در فصل دوم، زمانی که تا حدودی در مبانی رنگ، تجربه عملی پیدا کردید به موضوع منظره می‌پردازیم. زیرا مناظر طبیعی با نور و جلوه‌های ویژه‌ای که در ساعات مختلف روز پیدا خواهند کرد، درجه‌ای تازه در دنیای رنگ، به روی شما خواهند گشود.

در فصل سوم، پیکره انسان را مورد توجه قرار داده‌ایم. انسان در فضای بسته و طبیعت، تا بتوانیم بازتابهای نور طبیعت را بر انسان و اشیاء و محیط پیرامونش در رنگ تجربه کنیم.

مؤلفان

هدف کلی

توانایی به کارگیری اصولی رنگ در نقاشی

به‌کارگیری رنگ در نقاشی از طبیعت بی‌جان (گواش)

هدفهای رفتاری: در پایان این فصل، فراگیر باید بتواند:

- با اشکال و احجام ساده، و به کمک خطوط، ترکیب‌بندی متعادل بسازد.
- با سیاه و سفید و خاکستریهای مابین نقاشی کند.
- با سیاه و سفید و یک رنگ اصلی نقاشی کند.
- با رنگهای اصلی، یک ترکیب‌بندی متعادل بسازد.
- با رنگهای گرم و سرد، در نقاشی ایجاد عمق نماید.
- با رنگهای مکمل و خاکستریهای رنگی حاصل از ترکیب دو رنگ نقاشی کند.
- با رنگهای مکمل و خاکستریهای رنگی، حجم‌نمایی کرده و ایجاد عمق نماید.

۱-۱- نقاشی با سیاه و سفید و خاکستریهای مابین (تضاد تاریک و روشن)

نور از اهمیت خاصی در زندگی ما برخوردار است چرا که بدون نور امر دیدن رخ نمی‌دهد. در محیط زندگی و طبیعت پیرامون ما، طیف گسترده‌ای از رنگها وجود دارند و دو قطب متضاد و یا بی‌نهایت در این طیف سیاه و سفید هستند. ما تصور ملموسی از سیاهی و سفیدی را در پدیده‌ای چون شب و روز می‌یابیم. اگر چه، دنیای اطراف خود را فقط سیاه و سفید و خاکستریهای مابین این دو قطب نمی‌بینیم، ولی مطالعه در این زمینه به ما کمک می‌کند تا جایگاه نور را در نقاشی بهتر دریابیم.

حجم‌نمایی^۱ و یا نمایش سه بعدی شکلها بر سطح بوم نقاشی، با تغییرات تدریجی نور با سیاه و سفید و درجات مختلف خاکستریهای گوناگون میسر است. زاویه تابش نور و میزان تیرگی و روشنیها در یک نقاشی جلوه‌های ویژه‌ای به آن اثر می‌دهد و اثرات متفاوتی در بیننده ایجاد می‌کند. کاربرد دقیق سایه و روشن، باعث تشخیص و عدم تشخیص شکلها می‌شود.

استفاده از اسلوب سایه و روشن کاری، بعد از رنسانس^۲ در آثار نقاشی دیده می‌شود. برای دوره‌های طولانی، نقاشان اروپایی برای نشان دادن نور و سایه در نقاشیهای خود، از روش تیره و روشن کردن رنگها استفاده می‌کردند. یعنی اکثر سایه‌ها قهوه‌ای مایل به سیاه و نورها مایل به سفید بودند. برای مثال، می‌توان به تصاویر (۱-۱) و (۲-۱) طبیعت بی‌جان اثر شاردن^۳ اشاره کرد.

۱- Modelling، برجسته‌نمایی، اصطلاحی در نقاشی است که به روش تجسم سه بعدی شکلها به روی سطح دو بعدی با استفاده از رنگ سایه‌های تیره و روشن گفته می‌شود.

۲- Renaissance (باززایی) عموماً به جنبش فکری و عقلانی‌ای گفته می‌شود که در سده ۱۴ از شهرهای شمال ایتالیا سرچشمه گرفت و در سده ۱۶ به اوج خود رسید.

۳- CHARDIN، نقاش فرانسوی از برجسته‌ترین استادان نقاشی از طبیعت بی‌جان، سده ۱۸ میلادی



تصویر ۱-۱ اثر سیمون شاردن، رنگ روغن روی بوم، (۳۳×۴۱ سانتی متر)



تصویر ۱-۲ اثر سیمون شاردن، رنگ روغن روی بوم، (۱۷×۲۰ سانتی متر)

با مطالعاتی که نقاشانی چون دلاکروا^۱، ترنر^۲ و کانستبل^۳ و ... در زمینه نور داشتند و نقاشان امپرسیونیست^۴ مطالعات آنها را ادامه و گسترش دادند. امروزه، نور را به واسطه رنگ بیان می‌کنیم. یعنی با کنار هم قرار دادن دو رنگ زرد و بنفش در یک اثر نقاشی، بنفش می‌تواند به راحتی نقش سایه را بازی نموده و زرد نمایانگر نور باشد. در تصویر ۱-۳ ون‌گوگ^۵ به خوبی از دو رنگ زرد و بنفش به عنوان نور و سایه استفاده کرده است.



تصویر ۱-۳- اثر ونسان ون‌گوگ، رنگ روغن روی بوم

در تصویر ۱-۴ نیز ماتیس^۶ از دو رنگ سبز و سفید به عنوان نور و سایه استفاده کرده است. در بررسی نور و سایه، توجه به رابطه تیره و روشن از یک سو و درک ارزشهای خاکستریها از سوی دیگر، ما را یاری خواهد کرد تا تصور درست‌تری از نور و سایه در فضای کلی کار داشته باشیم. از طرف دیگر رعایت تناسب کلی میان سیاه و سفید برای دستیابی به تعادل و پویایی رنگ در اثر نقاشی، ضروری است. می‌توان ارزشهای رنگی^۷ یک اثر را به دو ارزش مطلق سیاه و سفید تبدیل کرد. در این صورت، هم ارزش رنگ زرد در کار، خاکستری روشن متمایل به سفید و هم ارزش رنگ قرمز به خاکستری تیره‌تری تبدیل می‌شود. وقتی شما از یک موضوع رنگی عکس سیاه و سفید بگیرید، این همطرازی رنگها با خاکستریها را به خوبی درک

۱- DELACROIX، نقاش رمانتیک فرانسوی، سده ۱۹ میلادی

۲- TURNER، نقاش رمانتیک انگلیسی، سده ۱۹ میلادی

۳- CONSTABLE، نقاش رمانتیک انگلیسی سده ۱۹ میلادی

۴- IMPRESSIONIST، نقاشانی که مهم‌ترین پدیده هنر اروپایی در سده نوزدهم را به راه انداخته و این سبک، نخستین جنبش نقاشی مدرن

نیز بود.

۵- VAN GOGH، نقاش پست امپرسیونیست هلندی، سده ۱۹ میلادی

۶- MATISSE، نقاش فوویست فرانسوی، سده ۲۰ میلادی

۷- ارزش رنگی (Color value)، درجه نسبی تیرگی و روشنی یک رنگ است که با صفت درخشندگی ارتباط دارد.



تصویر ۱-۴- اثر هانری ماتیس، رنگ روغن روی بوم، (۱۱۶/۸×۱۴۶ سانتی متر)

خواهید کرد. در مورد نور و سایه نیز، نقاط نزدیک به نور، روشن تر و سایه‌ها به تیرگی و سیاه تبدیل خواهد شد. برای درک چگونگی ایجاد عمق در یک اثر به وسیلهٔ درجات خاکستریها و سیاه و سفید، تجربهٔ ایجاد درجات مختلف خاکستری (اکروماتیک^۱) ضروری است.

همان طور که می‌دانید مابین سیاه و سفید، درجات مختلفی از تیرگی و روشنی وجود دارد که شناخت و به کارگیری صحیح آنها می‌تواند ما را در ایجاد عمق و تعادل در اثر نقاشی، یاری دهد تصویر (۱-۵).



تصویر ۱-۵

۱- رنگها به دو دسته فامدار (Chromatic) و بی فام (Achromatic) تقسیم می‌شوند. کروماتیک به رنگهایی چون (زرد، بنفش، قرمز و ...) و اکروماتیک به سیاه و سفید و یا هر نوع خاکستری مابین آن دو گفته می‌شود.

کار در کارگاه: نقاشی از طبیعت بی‌جان با استفاده از سیاه و سفید (خاکستریهای مابین)
اهداف:

- ایجاد ترکیب‌بندی متعادل از اشکال و احجام ساده به کمک خطوط
- ایجاد تعادل در نقاشی به کمک سیاه و سفید
- ایجاد فضا در نقاشی با سیاه و سفید و خاکستریهای مابین

تهیه پیش طرح خطی (با رعایت اصول ترکیب‌بندی)

در مرحله نخست می‌توانید به کمک چند شیء ساده مثل بطری، لیوان، کوزه و یک تکه پارچه و چند عدد میوه، یک طبیعت بی‌جان ساده بچینید.

در حد امکان، از اشکال و احجام پیچیده استفاده نکنید. برای به‌دست آوردن نتیجه بهتر، از تضاد رنگی در اشیای انتخاب شده کمک بگیرید، همین‌طور می‌توانید از یک نور مصنوعی برای تشدید تضاد تاریک و روشن استفاده کنید. هنگام تهیه پیش طرح خطی، به مشکلات ترکیب‌بندی که چیده‌اید پی خواهید برد. همانجا می‌توانید اشکالات را تصحیح کنید. اشیای را عقب‌تر یا جلوتر ببرید و یا زاویه تابش نور را تغییر دهید.

تغییر زاویه تابش نور مصنوعی در یک طبیعت بی‌جان، سبب ایجاد حالات متفاوتی در کار خواهد شد. در تصاویر (۱-۶) و (۱-۷) تغییر جهت زاویه تابش نور را بر یک طبیعت بی‌جان ملاحظه می‌کنید. در کار خود، با دور و نزدیک کردن منبع نوری خود به مدل می‌توانید در ایجاد سایه‌های دلخواه خود دخالت کنید.



تصویر ۱-۶- نورپردازی از بالا سمت چپ



تصویر ۷-۱- نورپردازی از بالا سمت راست

چندین طرح از مدل خود، از زوایای مختلف تهیه کنید و در نهایت بهترین طرح را که از نظر ترکیب‌بندی متعادل و مناسب است، برگزینید. در تصاویر (۱-۸) و (۱-۹) و (۱-۱۰)، تغییر زاویه دید در یک مدل طبیعت بی‌جان چیده شده را ملاحظه می‌کنید.



تصویر ۸-۱- زاویه دید از کنار

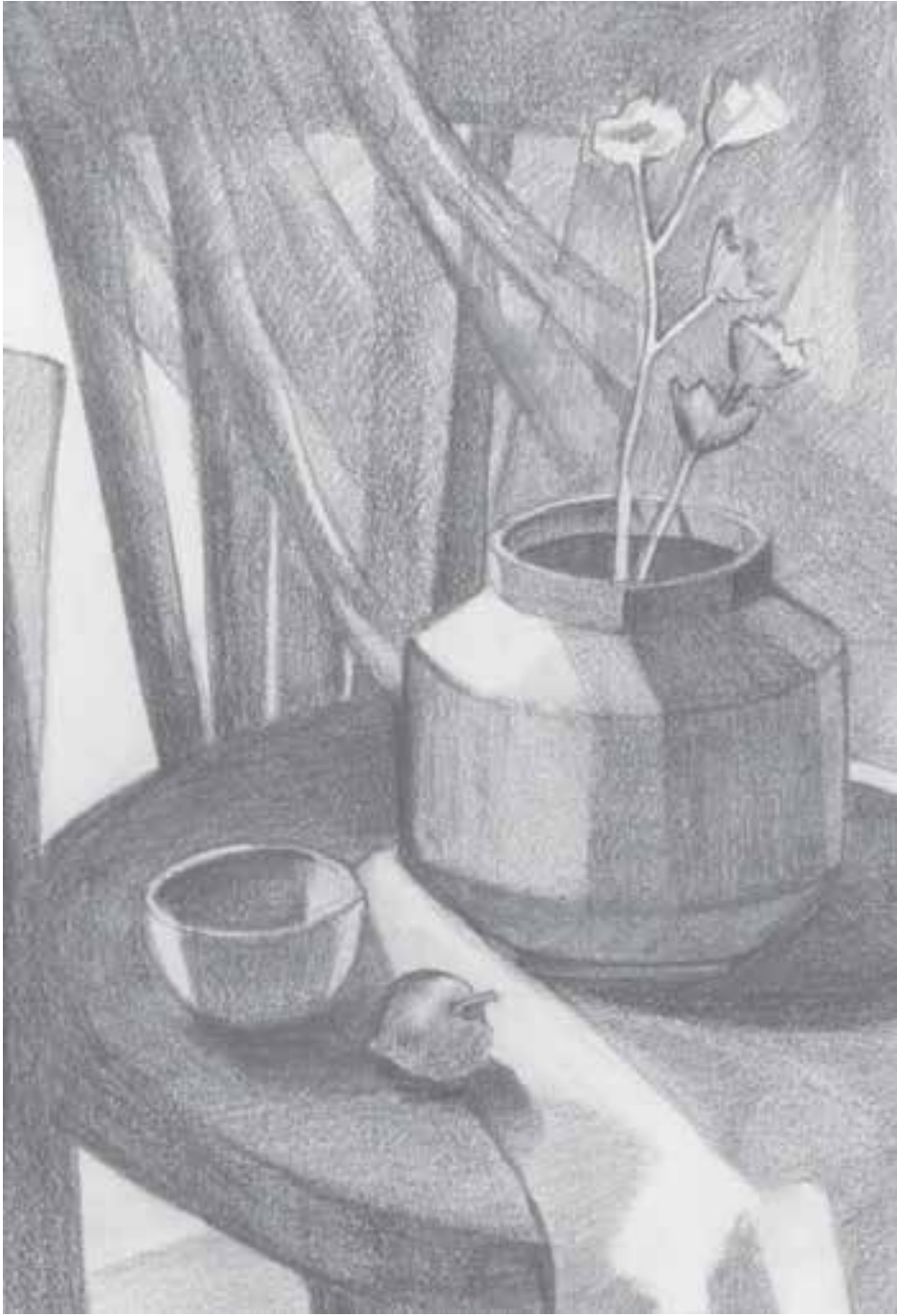


تصویر ۹-۱- زاویه دید معمولی



تصویر ۱۰-۱- زاویه دید از بالا

پس از تهیه پیش طرح مناسب، تصویر الف (۱-۱۱) طرح را به صورت خطی به روی مقوای مناسب انتقال داده تا برای اجراهای مختلف در تمرین‌ها مورد استفاده قرار گیرد تصویر ب (۱-۱۱).



تصویر الف ۱۱-۱- پیش طرح



تصویر ب ۱۱-۱

تمرین ۱

— اجرای کار با سطوح تفکیک شده سیاه و سفید

در این تمرین، طرح خود را به کمک سطوح سیاه و سفید سازماندهی کنید. بنابراین می‌توانید مناطق تیره کار را به سیاه و تمام روشنیها و رنگهای متمایل به روشنی را به سفید تبدیل نمایید. در اینجا، ایجاد تعادل میان سطوح سیاه و سفید و پراکندگی نور و تاریکی اهمیت ویژه‌ای دارد. در این کار، حتی می‌توانید آزادانه و بدون توجه به نورپردازی واقعی، تیرگی و روشنیها را به قدری تغییر دهید که به تعادل میان سیاه و سفید در تصویر دست یابید (تصویر ۱۲-۱).



تصویر ۱۲-۱- اجرای کار با سطوح تفکیک شده سیاه و سفید

تمرین ۲

– اجرای کار با سطوح تفکیک شده سیاه و سفید و دو خاکستری مابین

در این تمرین، در ابتدا دو خاکستری میان سیاه و سفید را به گونه‌ای تهیه کنید که یک خاکستری متمایل به سفید و دیگری متمایل به سیاه باشد. یکی از طرحهای خطی خود را که به روی مقوا کپی برداری کرده‌اید انتخاب کنید و به کمک این چهاررنگ، (یعنی سیاه و سفید و دو خاکستری مابین) رنگ‌آمیزی نمایید به گونه‌ای که میان آنها تعادل برقرار باشد. استفاده از تعداد بیشتری از خاکسترها در حجم‌نمایی و ایجاد فضای سه بعدی، شما را یاری می‌کند (تصویر ۱۳-۱).



تصویر ۱۳-۱- اجرای کار با سطوح تفکیک شده سیاه و سفید و دو خاکستری مابین

تمرین ۳

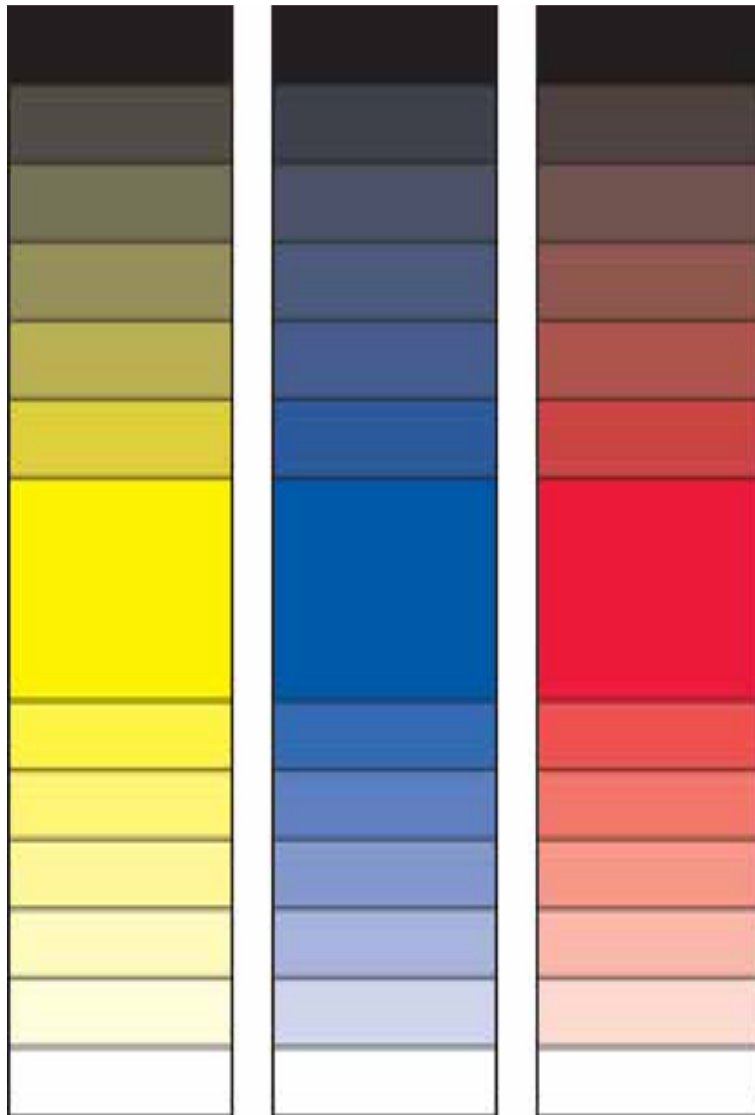
– اجرای کار با سطوح تفکیک شده سیاه و سفید و پنج خاکستری مابین
در این تمرین، یکی دیگر از طرحهای خطی خود را به کمک پنج خاکستری که قبلاً در ظروف جداگانه تهیه
کرده‌اید رنگ‌آمیزی کنید، به گونه‌ای که تیرگی و روشنیها، فضای دور و نزدیک و حجم را القا نماید. در اینجا،
چگونگی جایگزینی سطوح سفید و سیاه در میان خاکستریها در ایجاد عمق، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است
(تصویر ۱۴-۱).



تصویر ۱۴-۱ – اجرای کار با سطوح تفکیک شده سیاه و سفید و پنج خاکستری مابین

۲-۱- نقاشی با سیاه و سفید و یک رنگ اصلی

تا اینجا، تضاد تاریک و روشن را با توجه به رنگهای سیاه و سفید و خاکستریهای مابین آنها، مورد آزمایش و بحث قرار دادیم. اکنون بسیار مهم و جالب است که همین تضاد تاریک و روشن را با رنگهای زرد، قرمز و آبی تجربه کنیم. در اینجا، می‌توانید یک رنگ اصلی را به دلخواه به پالت سیاه و سفید و خاکستریهای خود اضافه کنید. هنگامی که یک رنگ (به‌طور مثال، رنگ زرد و یا آبی) و تغییرات آن بر تمامی کار غلبه دارد، گفته می‌شود که اثر در تونالیته^۱ زرد و یا آبی کار شده است. تونالیته مشخص موجب وحدت رنگی در یک اثر نقاشی خواهد بود. با کاهش تعداد رنگهایی که در یک اثر به کار گرفته می‌شود می‌توان هماهنگی رنگی ساده‌تری به وجود آورد. تصاویر (۱-۱۵) و (۱-۱۶)، شما را در جهت شناخت هر چه بیشتر درجات مختلف تیره و روشن یک رنگ اصلی راهنمایی می‌کند. در تصویر (۱-۱۵) شما تغییر درجات تیره و روشن یک رنگ اصلی با کمک سیاه و سفید را ملاحظه می‌کنید.

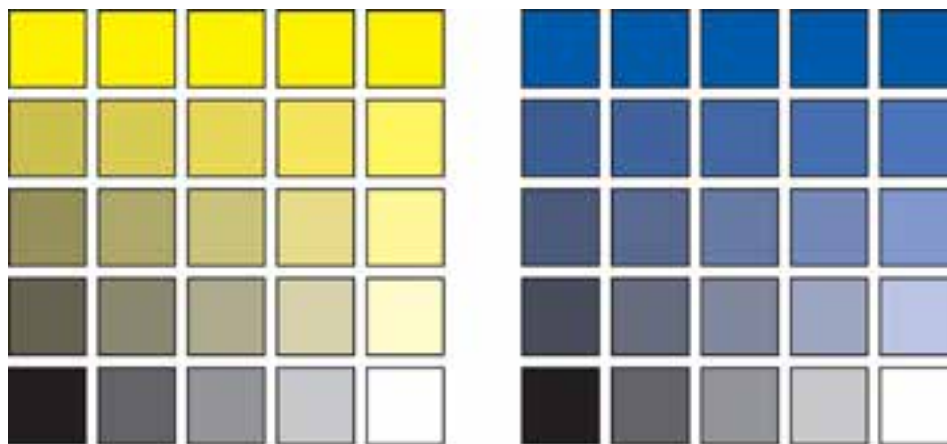


تصویر ۱-۱۵- تغییر درجات تیره و روشنی رنگ به کمک سیاه و سفید

۱- تونالیته (Tonality)، به جلوه کلی رنگها و یا رنگ سایه سراسری می‌گویند و یا هنگامی که یک رنگ و تغییرات آن بر تمامی کار غلبه

دارد.

در تصویر (۱۶-۱) در ستون اول سمت راست شما شاهد تغییر درجهٔ روشن‌ی رنگ مثلاً زرد به کمک سفید هستید و در ستون مقابل سمت چپ، جدول تغییر درجهٔ تیرگی رنگ با کمک سیاه قرار گرفته است. در میان این دو ستون، شاهد تغییر درجهٔ تیرگی روشن‌ی رنگ اصلی زرد به کمک خاکستریهای مابین هستید. شما می‌توانید برای کسب تجربهٔ بیشتر، جداول دیگری با دو رنگ اصلی دیگر یعنی آبی و قرمز تهیه کنید.



تصویر ۱۶-۱- تغییر درجات تیره و روشن رنگهای اصلی به کمک سیاه و سفید و خاکستریهای مابین

کار در کارگاه: نقاشی از طبیعت بی‌جان با سیاه و سفید و یک رنگ اصلی

اهداف:

- درک صحیح ارزشهای تیره و روشن در رنگهای اصلی
- ایجاد تعادل در اثر به کمک سیاه و سفید و یک رنگ اصلی
- ایجاد عمق در نقاشی، به کمک سیاه و سفید و یک رنگ اصلی

تهیهٔ پیش طرح خطی از طبیعت بی‌جان با رعایت اصول ترکیب‌بندی

مطابق آنچه در صفحات پیشین گفته شد یک طبیعت بی‌جان ساده با کمک چند شیء ساده و با رعایت کلیهٔ

اصول ترکیب‌بندی که قبلاً آموخته‌اید، بچینید. برای دستیابی به نتیجه بهتر، در حد امکان از رنگهای محدود در اشیا استفاده کنید. از یک منبع نور مصنوعی می‌توانید برای ایجاد تضاد تیره و روشن، بهره بگیرید.

تمرین ۱

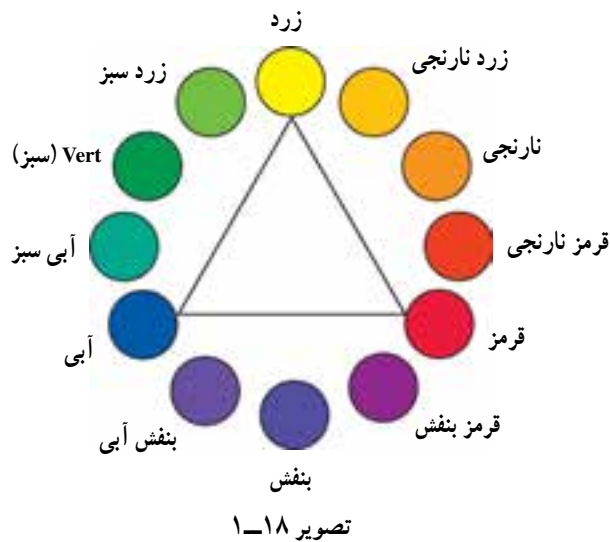
– اجرای کار با کمک درجات تیره و روشن حاصل از ترکیب سیاه و سفید و یک رنگ اصلی
پیش طرح تهیه شده خود را با کمک تغییر درجات تیره و روشن یک رنگ اصلی، متناسب با موضوع رنگ‌آمیزی کنید. در این مورد می‌توانید از تصویر (۱-۱۶) کمک بگیرید. بدین منظور، یک رنگ اصلی را انتخاب و آن را به سیاه و سفید اضافه کنید. رنگهای متمایل به روشن خود را، در مناطق روشن و رنگهای متمایل به سیاه را برای تیرگیها به کار ببرید تصویر (۱-۱۷).



تصویر ۱-۱۷ – اجرای کار با کمک درجات تیره و روشن حاصل از ترکیب سیاه و سفید و یک رنگ اصلی

۳-۱- نقاشی با رنگهای اصلی

در این مرحله، مطالعه چرخه رنگ که پایه آن سه رنگ اصلی زرد و قرمز و آبی است، برای هنرجویان ضروری جلوه می کند تصویر (۱-۱۸). رنگهای اصلی آبی، زرد، قرمز دارای تضاد شدیدی با هم هستند. هر گاه رنگهای اصلی به وسیله خطوط یا سطوح سیاه و سفید احاطه شوند در شدت آنها تغییر حاصل می شود. حضور رنگ سیاه در کنار رنگها باعث شدت بیشتر رنگ می شود و رنگ سفید از شدت آنها می کاهد. هرگاه در مجموعه ای از



رنگهای اصلی و ثانویه یکی از رنگهای اصلی را بیشتر به کار ببرید، آن رنگ جلوه درخشان تری می یابد. شما، تضاد ته رنگ یا رنگهای اصلی را در طبیعت به طور خالص، بندرت مشاهده می کنید. استفاده از رنگها به صورت خالص در کنار یکدیگر را در آثار برخی نقاشان معاصر می توانید ببینید. در تصویر (۱-۱۹)، نقاش با استفاده از رنگهای خالص در کنار سایر رنگها، درخشش رنگهای اثر خود را دو چندان کرده است.

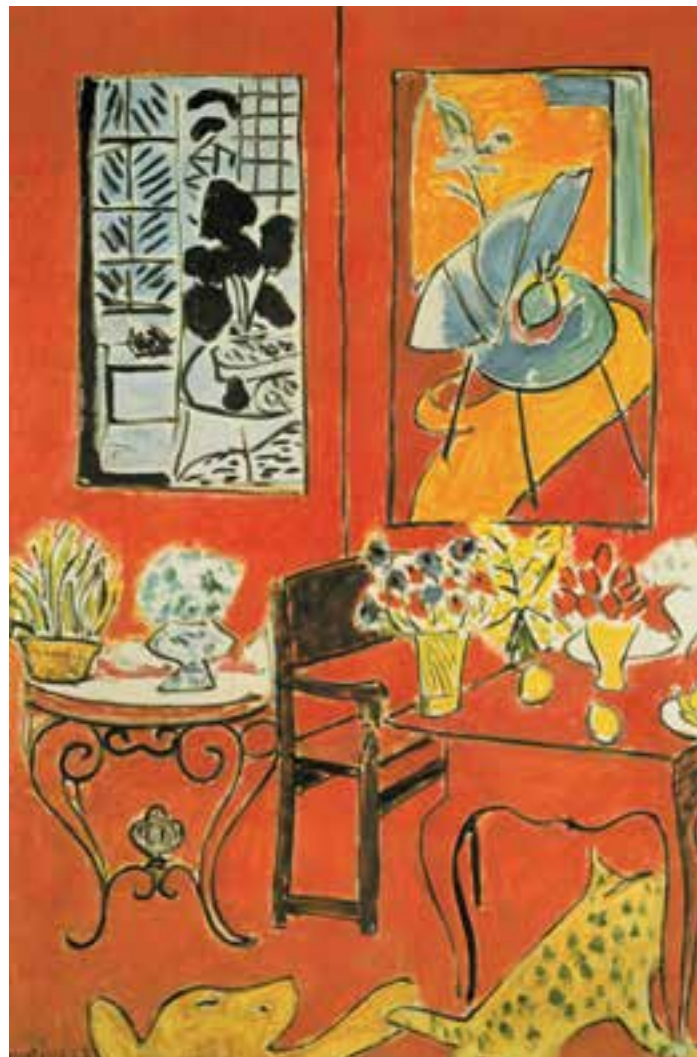


تصویر ۱-۱۹- اثر اُدیلن ردُن^۲، پاستل روی کاغذ، (۷/۵۳×۷۳ سانتی متر)

۱- شدت In Tensity این صفت را اشباع و درخشش نیز می نامند. شدت یک رنگ، درجات قوت و یا انرژی فامدار بودن آن رنگ است. یعنی در واقع به درجه خلوص رنگ مربوط می شود.

۲- REDON نقاش، چاپگر و نویسنده فرانسوی، سده ۱۹ و ۲۰ میلادی؛ وی به سبب جنبه های تخیلی و نمادین آثارش در زمره هنرمندان سمبولیست به شمار می آید.

همچنین در تصویر (۲۰-۱)، استفاده از خلوص رنگی مشاهده می‌شود. گفتنی‌ست نقاشانی که از این شیوه رنگ‌گذاری در کارشان استفاده می‌کنند کمتر در پی ایجاد عمق به شیوه معمول و متعارف هستند و غالباً آثارشان تخت و دو بعدی به نظر می‌رسد.



تصویر ۲۰-۱- اثر هانری ماتیس، رنگ روغن روی بوم، (۱۴۶×۹۷ سانتی متر)

کار در کارگاه: نقاشی از طبیعت بی‌جان با استفاده از رنگهای اصلی اهداف:

- ایجاد حداکثر تضاد با رنگهای اصلی در نقاشی
- به کارگیری تضاد ته رنگ برای نمایش نور و تاریکی
- ایجاد تعادل در نقاشی به کمک رنگهای اصلی

تهیه پیش طرح از موضوع

در این مرحله همچون گذشته، می‌توانید از عناصری ساده چون کتاب و چند عدد میوه و یا پارچه و ظروف سفالین استفاده کنید. سعی کنید از رنگهای اصلی در عناصر موضوع طبیعت بی‌جان خود بهره بگیرید.

تمرین ۱

– اجرای کار با سطوح تفکیک شده آبی، زرد و قرمز

طرح خطی خود را با سه رنگ اصلی آبی، زرد و قرمز ببوشانید. در نقاشی خود، سعی کنید به تعادل رنگی در صفحه توجه داشته باشید. در اجرای این تمرین به وسعت سطوح رنگهای به کار گرفته شده برای ایجاد تعادل رنگی توجه کنید. به طور مثال، از رنگ زرد می‌توانید در قسمت جلوی تابلو استفاده کنید و رنگ آبی را در پلان عقب و با وسعت سطح بیشتر به کار ببرید. زیرا شدت رنگ زرد از آبی بیشتر است یعنی رنگ زرد در تابلو جلو می‌آید در صورتی که آبی خود را عقب‌تر می‌کشد و از ما دور می‌شود. از این خاصیت، می‌توانید برای ایجاد فضای دور و نزدیک استفاده کنید. به کارگیری رنگ زرد در وسعت کمتر و آبی با وسعت بیشتر، نور و سایه را نیز القا می‌کند. رنگ زرد و قرمز می‌تواند در مناطق روشن‌تر و آبی در مناطق تیره‌تر به کار گرفته شود.



تصویر ۲۱-۱- اجرای کار با سه رنگ اصلی (زرد، قرمز و آبی)